

معاهده حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری بین دولت‌ها

مرکز بین المللی حل و فصل [اختلافات] سرمایه گذاری
مترجم: ناصر علیدوستی
(دانشجوی دوره دکترای حقوق خصوصی دانشگاه تهران و وکیل پایه یک دادگستری)

بانک جهانی ترمیم و توسعه؛ تعهد می شود رضایت دو جانبه طرفه‌ای، که چنین اختلافاتی را به مصالحه یا سازش، طی چنین نهاد تسهیل کننده ارجاع می نمایند، توافق الزام آوری بوده که به ویژه باید به پیشنهاد سازش دهندگان توجه و رأی داوری اجرا شود؛ و: اعلام می شود که هیچ کشور متعاقد تنها با تصویب، قبول یا تأیید معاهده و بدون رضایت، تعهدی به ارجاع هر اختلاف خاص به سازش یا داوری ندارد:
به شرح آتی توافق گردید:

این نوشتار، ساختار تشکیلاتی «مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری» و نحوه طرح شکایات در آن را به بحث گذاشته است.

مقدمه:

دولت‌های متعاقد

به لحاظ ضرورت همکاری بین المللی برای پیشرفت اقتصادی و

۱- مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری

الف - شناسایی و ساختار

ماده ۱-۱) بدین وسیله "مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری" - که از این پس "مرکز" نامیده می شود - تأسیس می شود.

۲) هدف مرکز مقرر نمودن تسهیلات برای سازش و داوری اختلافات سرمایه گذاری میان دول متعاقد و اتباع دیگر دولت‌های متعاقد، مطابق مقررات این معاهده می باشد.

ماده ۲- مقرر "مرکز" در اداره مرکزی بانک جهانی ترمیم و توسعه - که از این پس "بانک" نامیده می شود - می باشد.



سرمایه گذاری خصوصی بین المللی در این زمینه، و این احتمال که ممکن است رفته رفته اختلافاتی در ارتباط با این سرمایه گذاری‌ها بین دول متعاقد و اتباع دیگر دولت‌های متعاقد بروز کند، چنین اختلافاتی معمولاً تابع قانون دادرسی‌های ملی است؛ بنابراین روش‌های بین المللی حل و فصل می تواند در برخی موارد مناسب باشد.

نظر به اهمیت ویژه دسترسی به تسهیلات سازش یا داوری بین المللی، دول متعاقد و اتباع دیگر دولت‌های متعاقد می توانند چنین اختلافاتی را در صورت تمایل، برای سازش یا داوری، ارجاع نمایند. بواسطه تمایل به تأمین چنین تسهیلاتی، نظر به حسن توجه

مقرر ممکن است به موجب تصمیم شورای اداری با پذیرش اکثریت دو سوم اعضا به جای دیگر منتقل شود.
ماده ۳- مرکز دارای یک شورای اداری و یک دبیرخانه و هیات سازش دهندگان و هیات داوران است.

۱-۲- شورای اداری

ماده ۱- ۴) شورای اداری دربردارنده یک نماینده از هر دولت متعاقد است، در صورت غیبت عضو اصلی یا ناتوانی از عمل، عضو علی البدل به عنوان جانشین عمل می کند.
۲) در صورتی که به گونه دیگری توافق نشده باشد هر نماینده یا جانشین وی در بانک که توسط یک دولت متعاقد تعیین شده به لحاظ سمت خود نماینده یا حسب مورد عضو علی البدل در شورای اداری نیز خواهد بود.

ماده ۵- رئیس بانک جهانی "ترمیم و توسعه" - که از این پس "رئیس" نامیده می شود - به لحاظ سمتش رئیس اداری شورا است، ولی حق رأی ندارد.

در صورت غیبت یا ناتوانی وی از عمل و خالی بودن پست ریاست بانک، شخصی که به عنوان متصدی امور ریاست عمل می کند به عنوان مدیر اداری شورا نیز خواهد بود.

ماده ۱- ۶) بدون تغییر در اختیارات و وظائف واگذار شده به موجب مقررات این معاهده شورای اداری باید:

- الف- مقررات اداری و دفتری مرکز را تصویب کند.
- ب- قواعد روند دادرسی در نهاد سازش و نهاد داوری را تصویب کند.
- ج- قواعد روند رسیدگی برای سازش و داوری را - که از این پس قواعد سازش و قواعد داوری نامیده می شوند- تصویب کند.
- د- ترتیباتی با بانک جهانی در راستای استفاده از تسهیلات و خدمات بانک اتخاذ نماید.

ه- شرایط خدمت دبیر کل و (هر) جانشین دبیر کل را تعیین نماید.
و- بیلان سالانه از درآمدها و هزینه های مرکز را تصویب کند.
ز- گزارش تراز مالی در مورد عملکرد مرکز را تصویب کند.
تصمیماتی که به بندهای "الف" "ج" و "ز" فوق برمی گردد، توسط اکثریت دو سوم اعضای شورای اداری تأیید می شود.

۲- شورای اداری می تواند کمیته هایی را که ضروری بدانند، تعیین کند.
۳- همچنین شورای اداری دیگر اختیارات و انجام وظایفی که ضروری می داند، برای اجرای مقررات این کنوانسیون، اعمال می نماید.

ماده ۱- ۷) شورای اداری، یک گردهم آبی سالانه و دیگر همایشهایی که ممکن است توسط شورا، یا رئیس یا دبیر کل به تقاضای بیش از پنج عضو شورا تعیین شود را، برگزار نماید.

۲) هر عضو شورای اداری، یک رای دارد و تمام موضوعات مطروحه نزد شورا با اکثریت آراء تصمیم گیری می شود.

۳) نصاب لازم برای تشکیل جلسه شورای اداری، با اکثریت تعداد اعضا آن است.

۴) شورای اداری می تواند با اکثریت دو سوم از اعضا روندی را پیش بینی کند که به موجب آن، رئیس، رأی شورای اداری را بدون تشکیل جلسه شورا بخواهد.

این رای تنها در صورتیکه اکثریت اعضا شورا، آراء خود را در یک محدوده

زمانی معین، طی روند گفته شده بیندازند، معتبر تلقی می شود.
ماده ۸- اعضاء شورای اداری و رئیس، بدون دریافت اجرت از مرکز، خدمت می نمایند.

۱-۳- دبیرخانه

ماده ۹- دبیرخانه دارای یک دبیر کل یک یا چند جانشین دبیر کل و کارمندی خواهد بود.

ماده ۱- ۱۰) دبیر کل و جانشین دبیر کل توسط شورای اداری، با اکثریت دو سوم اعضای شورا براساس تعداد مذکور توسط رئیس، برای دوره خدمت حداکثر شش ساله انتخاب شده و قابل انتخاب مجدد می باشد.
رئیس پس از همفکری با اعضاء شورای اداری یک یا چند نامزد برای این منصب پیشنهاد می کند.

۲) منصب دبیر کلی و جانشینی وی، با هر گونه سمت سیاسی، غیر قابل جمع است.

دبیر کل و جانشین وی، نمی توانند مستخدم یا متعهد در دیگر مشاغل شوند، مگر با تأیید شورای اداری.

۳) در دوره غیبت یا ناتوانی دبیر کل و در هر دوره خالی بودن منصب دبیر کل جانشین وی به عنوان دبیر کل عمل می کند، اگر جانشینان دبیر کل بیش از یک نفر باشند، شورای اداری در دستور قبلی معین می کند کدام یک به عنوان دبیر کل، عمل کنند.

ماده ۱۱- دبیر کل، نماینده قانونی و اولین مقام رسمی است و مسئول (وظایف) خود از جمله تعیین کارمندان وفق مقررات این کنوانسیون و قواعد تصویب شده شورای اداری می باشد. او وظیفه ثبت را انجام می دهد و اختیار تصدیق آراء داوری صادره مطابق این کنوانسیون و نیز گواهی تصاویر آنها را دارد.

۱-۴- هیأتها

ماده ۱۲- هیأت های سازش و داوری، هر یک، دربردارنده افراد شایسته ای هستند که از این پس انتخاب شده، در اینجا ارائه خدمت می کنند.
ماده ۱- ۱۳) هر دولت متعاقد، برای هر هیأت، چهار شخص که ممکن است تبعه آنها نباشد، بر می گزیند.

۲) رئیس، ده نفر را برای هر هیأت بر می گزیند. اشخاص برگزیده برای هر هیأت، باید دارای تابعیت های مختلف باشند.

ماده ۱- ۱۴) اشخاص برگزیده برای تصدی هیأتها باید دارای شخصیت اخلاقی والا و شایستگی، در زمینه های حقوقی تجاری، صنعت و مالیه باشند، که بتوان به آنها، به عنوان قاضی مستقل، اعتماد کرد.

شایستگی، در زمینه های حقوقی در مورد اشخاص نامزد برای هیأت های داوری، اهمیت ویژه دارد.

۲) رئیس، در گزیدن اشخاص برای خدمت در هیأتها، به اهمیت اظهارات هیأتها براساس نظام های حقوقی مهم دنیا و شکل های اصیل فعالیت تجاری، دقت می نماید.

ماده ۱- ۱۵) اعضاء هیأتها برای یک دوره شش ساله قابل تمدید، خدمت می کنند.

۲) در صورت مرگ یا استعفای عضو هیأت، مقامی که عضو برگزیده، حق برگزیدن شخصی دیگر برای خدمت در باقیمانده دوره آن عضو را دارد.

۳) اعضاء هیأت به سمت خود ادامه می دهند تا جانشین آنها انتخاب شود.

ماده ۱-۱۶) یک شخص می تواند در دو هیأت خدمت کند.
۲) اگر یک شخص برای خدمت در یک هیأت توسط بیش از یک دولت متعاقد یا توسط یک یا چند دولت و رئیس، برگزیده شود، منتخب اولین مقامی که وی را برگزیده فرض می شود. یا اگر انتخاب کننده دولتی باشد که وی تبعه آن است، برای آن دولت محسوب می شود.
۳) همه برگزیدگان، باید به دبیر کل توجه کنند و من بعد نسبت به اختطاریه های دریافتی از دبیر کل، ترتیب اثر دهند.

۵-۱- امور مالی مرکز

ماده ۱۷- اگر مخارج مرکز نتواند کفاف هزینه های تسهیلات را بنماید یا بیش از درآمدها باشد، مازاد مخارج توسط دولت های متاعهدی که عضو بانک جهانی اند، به نسبت تعهدات پرداختی مربوط به موجودی مالی بانک و به وسیله دول متاعهدی که اعضاء بانک نمی باشند، وفق قواعد تصویبی شورای اداری، پرداخت می شود.

۶-۱- جایگاه، مصونیت ها و امتیازات

ماده ۱۸- "مرکز" دارای شخصیت حقوقی کامل بین المللی می باشد. صلاحیت مرکز شامل موارد ذیل است:
الف - اهلیت (انعقاد) قرارداد.
ب - اهلیت دارا شدن (تملک) و استفاده (تصرف) اموال منقول و غیر منقول.
ج - اهلیت اقامه دادرسی حقوقی.

ماده ۱۹- به منظور قادر ساختن مرکز در انجام وظائف خود، این مرکز در قلمرو سرزمینی هر یک از کشورهای متعاقد، دارای مصونیت ها و امتیازات استقرار مذکور در این بخش خواهد بود.

ماده ۲۰- اموال و دارایی های "مرکز" در برابر هرگونه رسیدگی قضایی مصون است، مگر اینکه مرکز از این مصونیت صرف نظر کند.

ماده ۲۱- رئیس، اعضاء اداری، سازش دهندگان یا داوران یا اعضاء کمیته مذکور در بند ۳ ماده ۵۲ و مدیران و مستخدمین دبیرخانه؛

الف - در ارتباط با اعمالی که نسبت به وظائف خود انجام می دهند، دارای مصونیت حقوقی اند، مگر اینکه مرکز از این مصونیت، صرف نظر کند.

ب - اگر اتباع محلی نبوندند، از محدودیت های مهاجران و لوازم ثبت بیگانگان و تعهدات خدمت ملی، مصون می باشند و همان گونه که دولت های متعاقد در مورد مسافرت نمایندگان، صاحب منصبان و رتبه های مشابه تسهیلاتی اعمال می کنند، برای ایشان نیز این تسهیلات برای تغییر محدودیت ها، فراهم می شود.

ماده ۲۲- مقررات ماده ۲۱ برای اشخاصی که در دادرسی ها، به موجب این معاهده به عنوان طرف، نمایندگان، مشاورین، وکلا، شهود یا مشاورین حاضر می شوند، اعمال می شود، معهدا مقررات بند "ب" تنها در ارتباط با مسافرتشان از مبدا تا مقصد و اقامت در محلی که دادرسی در آنجا است، اعمال شود.

ماده ۱-۲۳) بایگانی مرکز هر کجا باشد، مصون از تعرض است.
۲) به لحاظ ارتباطات اداری مرکز، باید هر کشور متعاقد حداقل به میزان مطابقتی که نسبت به دیگر سازمان های جهانی انجام می دهد، در مورد مرکز نیز، معمول خواهد داشت.

ماده ۱-۲۴) اموال و دارایی ها و عوائد و اعمال و معاملات تأیید شده به

موجب این معاهده از هرگونه مالیات و عوارض گمرکی معاف است، و نیز مرکز از مسئولیت جمع آوری و پرداخت هر مالیات و عوارض گمرکی، معاف می باشد.

۲) به جز اتباع داخلی، هیچ مالیاتی در ارتباط با هزینه های مجاز صرف شده توسط مرکز به رئیس یا اعضاء شورای اداری یا در ارتباط با حقوق و درآمدهای مجاز یا دیگر مقرری های پرداخت شده توسط مرکز به کارمندان یا کارکنان اداری دبیرخانه، تحمیل نمی شود.

۳) هیچ مالیاتی در ارتباط با هزینه ها یا مخارج مجاز دریافت شده توسط اشخاصی که به عنوان مشاوران یا داوران یا اعضاء کمیته مورد اشاره در بند ۳ ماده ۵۳ در رسیدگی ها به موجب این معاهده، اخذ نمی شود، مشروط بر این که تنها اساس حقوقی چنین مالیاتی مقرر مرکز یا مکانی باشد که رسیدگی هایی در آنجا عملی می شود یا مکانی که نرخها و هزینه ها در آنجا پرداخت می شود.

۲- قلمرو صلاحیت قضایی مرکز

ماده ۱-۲۵) صلاحیت مرکز، هر اختلافی که مستقیماً ناشی از سرمایه گذاری فیما بین یک دولت متعاقد (یا هر سازمان تابعه یا نمایندگی معرفی شده توسط دولت متعاقد به مرکز) و یک تبعه دولت متعاقد دیگر را در بر میگیرد، که طرف های نزاع به طور کتبی مرکز را (برای رسیدگی) مورد توافق قرار داده اند، و وقتی طرفها رضایت (و توافق) خود را تسلیم کردند، هیچ طرف نمی تواند به طور یک جانبه آن را مسترد نماید.

۲) تبعه دولت متعاقد دیگر یعنی:

الف - هر شخص حقیقی که تابعیت یک دولت متاعهدی غیر از دولت طرف اختلاف را، در تاریخی که در آن طرفها توافق به ارجاع این اختلاف به سازش یا داوری نمودند و نیز تاریخی که در آن دادخواست مطابق بند ۳ ماده ۲۸ یا بند ۳ ماده ۳۶ ثبت شده، داشته باشد. این امر شامل شخصی که در هر تاریخی (در گذشته) تابعیت دول متعاقد طرف اختلاف را داشته، نمی شود.

ب - هر شخص حقوقی که تابعیت یک دولت متاعهدی غیر از دولت طرف اختلاف را، در تاریخی که طرفها، توافق به ارجاع این اختلاف به سازش یا داوری نمودند؛ و هر شخص حقوقی که تابعیت دولت متعاقد طرف اختلاف را در آن تاریخ دارد ولی به دلیل کنترل خارجی، طرفها توافق کرده باشند که او، برای نیل به اهداف این معاهده به عنوان تبعه یک کشور دیگر متعاقد، فرض شود.

۳) باید توافق توسط یک سازمان تابعه یا نمایندگی یک دولت متعاقد به تأیید آن دولت برسد، مگر اینکه دولت مذکور به مرکز اعلام کند که چنین تأییدی ای لازم نیست.

۴) هر دولت متعاقد می تواند در زمان تصویب، پذیرش یا تأیید این معاهده یا در هر زمان آتی گروه یا گروهایی از اختلافات که باید یا نباید در صلاحیت قضایی مرکز تلقی شوند را، به مرکز اعلام کند. دبیر کل فوراً این اعلام را به تمام دول متعاقد ارسال می کند. این اعلام نباید در بردارنده رضایت (و توافق) مورد نیاز وفق بند ۱ باشد.

ماده ۲۶- اراده طرف های داوری به موجب این معاهده موافق با چنین داوری، فارغ از هرگونه طرق جبران خسارت دیگر فرض می شوند مگر اینکه خلاف آن تصریح شود. یک دولت متعاقد می تواند درج طرق جبران خسارت اداری یا قضایی داخلی به عنوان شرط رضایت خود به داوری را،

مطابق این معاهده، ضروری بدانند.

ماده ۱-۲۷) هیچ دولت متعهد نمی‌تواند در ارتباط با اختلافی که یکی از اتباع آن کشور و یک دولت دیگر متعهد، توافق بر ارجاع آن به داوری مطابق این معاهده می‌نمایند، حمایت دیپلماتیک کرده یا ادعای بین‌المللی کند، مگر اینکه آن دولت متعهد، از پای بندی خود کوتاهی کرده و به موجب رأی صادره در این اختلاف، موضوع به مرحله اجرا، رسیده باشد.

۲) حمایت دیپلماتیک مندرج در بند ۱، شامل حمایت غیر رسمی متقابل دیپلماتیک، که صرفاً به منظور تسهیل حل و فصل اختلاف است، نمی‌شود.

۳-۳ سازش

۳-۱- دادخواست سازش

ماده ۱-۲۸) هر دولت متعهد یا هر تبعه یک دولت متعهد که بخواهد، روند سازش پایه‌ریزی شود، باید دادخواستی کتبی در این خصوص برای دبیر کل مرکز ارسال نماید که وی نیز تصویری از آنرا برای طرف مقابل، ارسال می‌کند.

۲) این دادخواست حاوی اطلاعات مربوط به موضوع اختلاف، شامل هویت طرف و تراضی طرفین برای سازش، وفق قواعد رسیدگی در نهاد سازش و داوری است.

۳) دبیرکل، دادخواست را ثبت می‌کند، مگر اینکه در باید براساس اطلاعات مندرج در دادخواست، دعوا آشکارا خارج از قلمرو صلاحیت مرکز است. وی فوراً به طرفین ثبت یا رد ثبت (دادخواست) را اعلام می‌کند.

۳-۲ ساختار کمیسیون سازش

ماده ۱-۲۹) کمیسیون سازش - که از این پس "کمیسیون" نامیده می‌شود- در زودترین وقت ممکن، پس از ثبت دادخواست وفق ماده ۲۸، تشکیل می‌شود.

۲) الف - کمیسیون، متشکل از یک سازش دهنده تنها یا هر تعداد فرد از سازش دهندگانی است که به موجب توافق طرفین، تعیین شده‌اند.

ب- هرگاه طرفین بر سر تعداد و روش تعیین سازش دهندگان توافق نکرده باشند، کمیسیون متشکل از ۳ سازش دهنده است، هر یک از طرفین یک سازش دهنده تعیین می‌کند و نفر سوم به عنوان رئیس کمیسیون، با توافق طرفین انتخاب می‌شود.

ماده ۳۰- اگر کمیسیون ظرف ۹۰ روز پس از ارسال ابلاغ ثبت دادخواست توسط دبیرکل تشکیل نشود، وفق بند ۳ ماده ۲۸ یا دوره دیگر مورد توافق طرفین، رئیس، به درخواست هر یک از طرفین و پس از مشورت با ایشان هر چه سریعتر، سازش دهنده یا سازش دهندگانی را که هنوز انتخاب نشده‌اند، تعیین می‌کند.

ماده ۱-۳۰) سازش دهندگان ممکن است، خارج از هیأت سازش‌های مرکز

انتخاب شوند، مگر در مورد تعیین‌های رئیس وفق ماده ۳۰.

۲) سازش دهندگانی که خارج از هیأت سازش تعیین شده‌اند، باید دارای اوصاف مذکور در بند ۱ ماده ۱۴، باشند.

۳-۳ روند رسیدگی‌های سازش

ماده ۱-۳۲) کمیسیون (سازش) باید، در مورد صلاحیت خود، تصمیم‌گیری نماید.

۲) هرگونه اعتراض توسط یک طرف، مبنی بر اینکه این اختلاف در صلاحیت مرکز نمی‌باشد، یا به دلالی در صلاحیت کمیسیون نمی‌باشد، توسط کمیسیونی که می‌خواهد تعیین صلاحیت نماید مورد نظر قرار می‌گیرد.

ماده ۳۳- رسیدگی سازشی وفق مقررات این بخش صورت می‌پذیرد و اگر طرفین خلاف این توافق نکرده باشند، وفق قواعد سازش حاکم در تاریخی که طرفین توافق بر سازش کرده‌اند، انجام می‌گیرد. اگر هر مسأله‌ای پیرامون رسیدگی بروز کند که به موجب این بخش یا قواعد سازش یا قواعد مورد توافق طرفین پاسخ داده نشده، کمیسیون، خود باید در مورد آن تصمیم بگیرد.

ماده ۱-۳۴) وظیفه کمیسیون است، که موضوعات را در اختلاف فیما بین طرفین، روشن کند و کوشش نماید فیما بین ایشان براساس شرایط قابل قبول طرفین موجب توافق گردد. برای نیل به این هدف کمیسیون می‌تواند، در هر مرحله از رسیدگی و لحظه به لحظه، شروط حل و فصل را برای طرفین توصیه نمایند. طرفین باید با حسن نیت، در راستای قادر ساختن کمیسیون در انجام وظائف خود همکاری کنند و بیشترین توجه را به توصیه‌های کمیسیون، معطوف سازند.

۲) اگر طرفین به توافق برسند، کمیسیون گزارشی متضمن ذکر موضوعات مورد اختلاف و ثبت اینکه طرفین به توافق رسیده‌اند، تنظیم می‌کند.

اگر در یک مرحله از رسیدگی‌ها، برای کمیسیون محرز شود که هیچ احتمال توافق فیما بین طرفین وجود ندارد، رسیدگی را ختم و گزارشی

مشمول بر ذکر ابقاء و تفویض اختلاف و ثبت کوتاهی طرف‌ها از نیل به توافق، تنظیم می‌نماید. اگر یکی از طرف‌ها، از حضور یا شرکت در دادرسی امتناع ورزد، کمیسیون باید رسیدگی‌ها را مفتوح گذاشته، گزارشی مشتمل بر ذکر کوتاهی طرف مقصر از حضور و مشارکت، تنظیم نماید.

ماده ۳۵- هیچ یک از طرف‌های یک رسیدگی سازش، حق شرکت در دادرسی دیگری، خواه نزد مراجع داوری یا دادگاه حقوقی و غیره، برای التجاو اعتماد بر هر گونه جلب نظر یا بیانات یا پذیرش‌ها یا پیشنهادات حل و فصل مطرح شده توسط طرف دیگر در روند رسیدگی سازش، یا گزارش یا هر گونه توصیه‌های مطرح شده از سوی کمیسیون را ندارد، مگر اینکه



خلاف این را طرفین اختلاف توافق نموده باشند.

۴- داوری

۴-۱- دادخواست داوری

ماده (۱- ۳۶) هر کشور متعاقد یا هر تبعه یک کشور متعاقد، که بخواهد رسیدگی های داوری را پایه گذاری کند، باید دادخواست کتبی موثری را برای دبیرکل ارسال نماید، که وی یک کپی از دادخواست را، برای طرف دیگر، ارسال می کند.

(۲) دادخواست باید، مشتمل بر اطلاعات مربوط به موضوعات مورد اختلاف، هویت و مشخصات طرف ها و تراضی ایشان بر داوری وفق قواعد رسیدگی در نهاد سازش و داوری، باشد.

(۳) دبیرکل، دادخواست را ثبت می کند، مگر اینکه دریابد که براساس اطلاعات مندرج در دادخواست، دعوا (اختلاف) به طور آشکارا، خارج از قلمرو صلاحیت مرکز است. او بلافاصله به طرفین ثبت، یا رد دادخواست را، اعلام می کند.

۴-۲- ساختار دیوان داوری

ماده (۱- ۳۷) دیوان داوری- که از این پس "دیوان" نامیده می شود- در اولین فرصت پس از ثبت دادخواست وفق ماده ۳۶ تشکیل می شود.

(۲) الف - دیوان دارای یک داور تنها، یا هر تعداد فرد از داوران تعیین شده، که طرفین توافق کرده اند، می باشد.

ب- هر گاه طرفین بر تعداد داوران و روش تعیین ایشان، توافق نکرده باشند، دیوان شامل ۳ داور است، هر یک از طرفین یک نفر و نفر سوم که رئیس دیوان است، با توافق طرفین، تعیین می شود.

ماده - ۳۸ اگر دیوان نتواند ظرف ۹۰ روز پس از اعلام ثبت دادخواست، که توسط دبیرکل، وفق بند ۳ ماده ۳۶، ارسال شده، یا طی هر دوره مورد توافق طرفین تشکیل شود، رئیس به درخواست هر یک از طرف ها و پس از همفکری با طرفین، هر چه سریعتر داور یا داورانی را که تعیین نشده اند، معین می کند.

ماده - ۳۹ اکثر داوران، باید، تبعه دولی غیر از دول متعاقد طرف اختلاف و دولت متعاهدی که یک طرف اختلاف دارای تابعیت آن است، باشند، اگر داور منفرد یا عضو دیوان به موجب توافق طرفین تعیین شده باشد، مقررات پیشین این ماده اعمال نمی شود.

ماده (۱- ۴۰) داوران می توانند، خارج از هیأت داوران انتخاب شوند، مگر در مورد تعیین توسط رئیس، مطابق ماده ۳۸. (۲) داوران تعیین شده خارج از هیأت داوران، باید دارای اوصاف مذکور در بند ۱ ماده ۱۴، باشند.

۴-۳- اختیارات و وظائف دیوان

ماده (۱- ۴۱) دیوان، باید در مورد صلاحیت قضایی خود، تصمیم بگیرد. (۲) نسبت به هر گونه اعتراض یک طرف اختلاف، مبنی بر اینکه، اختلاف در صلاحیت مرکز، یا به دلایلی، در صلاحیت دیوان نیست؛ دیوان تعیین می کند، که آیا آنرا بررسی مقدماتی کند، یا وارد استحقاق در اختلاف (رسیدگی ماهوی)، شود.

ماده (۱- ۴۲) دیوان، اختلاف را، وفق قواعد حقوقی، که توسط طرفین مورد توافق قرار گرفته مورد تصمیم گیری قرار می دهد. در صورت نبود

چنین توافقی، دیوان باید حقوق دولت متعاقد طرف اختلاف (از جمله قواعد حل تعارض آن) و نیز قواعد مناسب حقوق بین الملل را، اعمال کند. (۲) دیوان، نمی تواند، به دلیل سکوت یا ابهام قانون، از رسیدگی اظهار ناتوانی کند.

(۳) مقررات بندهای ۱ و ۲ در اعمال قدرت دیوان در تصمیم گیری راجع به اختلاف، نباید لطمه ای بر اساس عدالت و انصاف وارد کند، اگر طرفین چنین توافق نموده اند.

ماده - ۴۳ اگر طرفین خلاف این را توافق ننموده باشند، دیوان عندالاقضاء، می تواند، در هر مرحله از رسیدگی ها:

الف - طرفین را برای ارائه اسناد و دیگر ادله فرا خواند؛ و
ب - محل مربوط به اختلاف را معاینه و چنانچه مناسب به نظر رسد، رسیدگی را معمول دارد.

ماده - ۴۴ هر گونه روند داوری، باید وفق مقررات این بخش عملی شود و اگر طرفین خلاف این را توافق نکرده باشند، وفق قواعد داوری موثر در تاریخی که طرفین توافق به داوری نموده اند، پیش رود. اگر مسأله مورد رسیدگی، به موجب این بخش، یا قواعد داوری، یا هر قواعد مورد توافق طرف ها پاسخ داده نشده، دیوان باید راجع به آن تصمیم بگیرد.

ماده (۱- ۴۵) کوتاهی یک طرف از حضور و ارائه مواضع خود نباید، بر پذیرش ادعای طرف دیگر، حمل شود.

(۲) اگر یک طرف، از حضور و ارائه و ادله موضوع خود در هر مرحله از رسیدگی کوتاهی کند، طرف مقابل می تواند، از دیوان بخواهد که به مسأله تقدیم شده، رسیدگی کرده و رأی صادر کند. پیش از صدور رأی، دیوان باید، اخطار نموده، یک دوره ارفاقی به طرف کوتاهی کننده از حضور و ارائه موضوع، اعطا کند، مگر اینکه دیوان قانع شود که وی نمی خواسته کوتاهی کند.

ماده - ۴۶ اگر طرفین، به گونه دیگر توافق نکنند، دیوان باید در صورت درخواست یک طرف، ادعاهای فرعی و اضافی و دعوای متقابل، که مستقیماً از مسئله ماهوی مورد اختلاف ناشی می شود را، تعیین کند، مشروط بر اینکه، این امور، در قلمرو تراضی طرف ها و از سوی دیگر در قلمرو صلاحیت مرکز، باشند.

ماده - ۴۷ اگر طرفین به گونه دیگری توافق نکنند، دیوان می تواند، عندالاقضاء، ملاکهای مشروطی را که باید برای حفظ حقوق هر طرف مراعات شود، پیشنهاد کند.

۴-۴- رأی

ماده (۱- ۴۸) دیوان، موضوعات را با اکثریت آراء اعضا، مورد تصمیم، قرار می دهد.

(۲) رأی دیوان، مکتوب و مضمی به امضاء اعضای که به آن رأی داده اند، خواهد بود.

(۳) در رأی، هر مسأله اقامه شده نزد دیوان، مورد بررسی قرار گرفته و دلائلی که رأی بر آن ها مبتنی است، بیان می شود.

(۴) هر عضو دیوان می تواند، نظر فردی خود را به رأی ضمیمه کند، خواه نظر وی همانند نظر اکثریت باشد یا خیر، بیانی متفاوت از دیگران باشد.

(۵) مرکز نباید بدون رضایت طرفین، رأی را منتشر کند.

ماده (۱- ۴۹) دبیرکل، بیدرنگ، تصاویر مصدق رأی را برای طرفین ارسال می نماید، فرض بر این است که رأی در تاریخ ارسال تصاویر مصدق،

صادر شده است.

۲) دیوان بر مبنای درخواستی که یک طرف داده، ظرف ۴۵ روز پس از تاریخ ابلاغ رای، پس از اخطار به طرف مقابل، تصمیم می گیرد راجع به هر موضوعی که در رای، اظهار نظر در مورد آن فراموش شده و هر اشتباه دفتری (نگارشی) محاسباتی یا امثال آن در رای، اصلاح می شود.

تصمیم دیوان (در این موارد) جزئی از رای بوده و همانند رای، به طرفها ابلاغ می شود. دوره های زمانی مقرر و آنچه در بند ۲ ماده ۵۱ و بند ۲ ماده ۵۲ مذکور است، از تاریخ ابلاغ تصمیم، آغاز می شود.

۴-۵- تفسیر، تجدید نظر و ابطال رای

ماده ۱- ۵۰) اگر هرگونه اختلافی فیما بین طرفها، در خصوص معنا و مفهوم رای حاصل شود، هر طرف می تواند تفسیر رای را به موجب یک دادخواست مکتوب ارسالی برای دبیر کل بخواهد.

۲) در صورت امکان، دادخواست باید به دیوانی تقدیم شود که رای را ابلاغ نموده است. و اگر ممکن نباشد یک (شعبه از) دیوان جدیداً وفق بخش ۲ این فصل تشکیل می شود. در صورتی که دیوان ملاحظه کند اوضاع و احوال اقتضا می کند، تا زمان تصمیم گیری، اجرای رای را متوقف می نماید.

ماده ۱- ۵۱) هر طرف می تواند به موجب دادخواست کتبی ارسالی برای دبیر کل، به عنوان کشف برخی وقایع، با چنان وصفی که واقعاً رای را متأثر می سازد، تجدید نظر خواهی کند، مشروط بر اینکه وقتی که رای صادر شده، آن واقعیت برای دیوان و تجدید نظر خواه نامعلوم بوده و فراموشی تجدید نظر خواه نسبت به آن واقعیت ناشی از کوتاهی (وی)، نباشد.

۲) دادخواست (تجدید نظر خواهی) باید ظرف ۹۰ روز پس از کشف این واقعیت و در هر مورد طی سه سال پس از تاریخ صدور رای، ارائه شود. ۳) در صورت امکان، دادخواست، باید به شعبه صادر کننده رای تقدیم شود. وگرنه شعبه (جانشین) جدید باید وفق بخش دوم این فصل تشکیل شود.

۴) در صورتی که اوضاع و احوال اقتضا نماید دیوان می تواند، اجرای رای را تا صدور تصمیم (نهایی) خود، متوقف سازد.

اگر تجدید نظر خواه درخواست توقف عملیات اجرایی رای را در دادخواست خود بدهد، اجرا موقتاً تا قضاوت دادگاه در مورد این درخواست، معلق (و متوقف) می شود.

ماده ۱- ۵۲) هر طرف می تواند درخواست ابطال رای را به موجب دادخواست کتبی ارسالی برای دبیر کل، به موجب یک یا چند عنوان زیر بخواهد:

الف - دیوان به گونه شایسته تشکیل نشده باشد.

ب - دیوان به گونه آشکار، از اختیارات خود فراتر رود.

ج - فسادی در یکی از اعضا دیوان وجود داشته باشد.

د - یک انحراف آشکار، از قواعد اساسی دادرسی، رخ داده باشد.

ه - رای از بیان ادله ای که بر آن مبتنی است، کوتاهی کرده باشد.

۲) دادخواست باید ظرف ۱۲۰ روز پس از تاریخی که رای ابلاغ شده ارائه شود، مگر به هنگام درخواست ابطال به عنوان فساد، که در این فرض، باید دادخواست، ظرف ۱۲۰ روز پس از کشف فساد و در همه موارد ظرف ۳ سال پس از تاریخی که رای صادر (و ابلاغ) شده، تقدیم شود.

۳) در ارتباط با این خواسته، رئیس باید بیدرتنگ، از هیأت داوران، یک کمیته سه نفره داوروری مودری (ad hoc)، تعیین نماید. هیچ یک از اعضای

کمیته، نباید عضو دیوانی باشند که رای را صادر نموده است، نباید تابعیتی همانند تابعیت اعضا داشته باشند، نباید تبعه دولت طرف اختلاف یا دولتی که تابعیت طرف دیگر اختلاف است، باشند، نباید توسط این دولتها (دولت طرف اختلاف یا دولت متبوع طرف مقابل) به هیأت داوروری معرفی شده باشد، یا نباید به عنوان سازش دهنده، در همان اختلاف دخالت نموده باشد. این کمیته، اختیار ابطال رای یا هر قسمتی از آن را به موجب عناوین چهارگانه بند ۱ دارد.

۴) مقررات مواد ۴۱ تا ۴۵، ۴۸، ۴۹، ۵۳، ۵۴ در فصل ششم و هفتم، باید با تعدیل مقتضی در رسیدگی های کمیته، اعمال شوند.

۵) اگر اوضاع و احوال اقتضا کند، کمیته، اجرای رای را تا زمان اتخاذ تصمیم، متوقف می سازد. اگر تجدید نظر خواه، توقف اجرای رای را در دادخواست خود مطرح کند، تا قضاوت کمیته پیرامون درخواست، اجرا متوقف می شود.

۶) اگر رای ابطال شد، به درخواست هر طرف، اختلاف به (شعبه) جدید دیوان، که وفق مقررات بخش دوم این فصل تشکیل می شود، ارجاع می شود.

۴-۶- شناسایی و اجرای رای

ماده ۱- ۵۳) رای برای طرفین (اختلاف) الزام آور است و نمی تواند با دیگر طرق اصلاح، جز آنچه در این معاهده پیش بینی شده، مورد اعتراض قرار گیرد. هر طرف ملتزم به آن است و باید مفاد آن را رعایت کند، مگر در موردی که در ارتباط با مقررات این معاهده اجرای رای، متوقف شود.

۲) به منظور (اعمال مقررات) این بخش، "رای" شامل هر تصمیم تفسیری، اصلاحی، یا ابطالی رای، وفق مواد ۵۰، ۵۱ و ۵۲، می شود.

ماده ۱- ۵۴) هر دولت متعاهد، باید رای صادره مطابق این معاهده را، الزام آور بداند و تعهدات مالی تحمیل شده به موجب رای را در قلمرو خود همانند یک رای نهایی دادگاه دولت خود، اجرا نماید. دولت متعاهدی که دارای نظام فدرالی است، چنین رایی را درون یا در طی محاکم فدرالش اجرا می کند و مقرر می کند، چنین دادگاههایی، رای را به مثابه یک رای نهایی محاکم یک ایالات فدرال، قلمداد کنند.

۲) طرفی که به دنبال شناسایی یا اجراء قلمرو یک دولت متعاهد است، باید، یک (برگه از) کپی برابر اصل شده رای توسط دبیر کل را، به دادگاه صالح یا دیگر مقامی که آن دولت برای این منظور معین نموده است، تقدیم نماید. هر دولت متعاهد باید تعیین دادگاه یا مقام صالح برای این منظور و هر تغییر آتی در این مورد را به دبیر کل، اعلام نماید.

۳) اجرای رای، تابع مقررات مربوط به اجرای احکام الزام آور، در دولتی است که چنین اجرایی در قلمرو سرزمینهای آن، دنبال می شود.

ماده ۵۵- هیچ چیزی در ماده ۵۴ به عنوان ضعیف کننده تر از مقررات الزامی، در هر دولت متعاهد از حیث مصونیت آن دولت، یا هر دولت خارجی دیگر از جهت اجرا، برداشت (و تفسیر) نخواهد شد.

۵- جایگزینی و عدم صلاحیت سازش دهندگان و داوران

ماده ۱- ۵۶) پس از تشکیل یک کمیسیون یا یک شعبه دیوان و آغاز رسیدگی ها، صلاحیت آن تغییر ناپذیر است؛ به هر حال، اگر یک سازش دهنده یا داور بمیرد یا محجور شود یا استعفاء دهد، خلاء حاصله باید وفق مقررات بخش ۲ فصل ۳ یا بخش ۲ فصل ۴، پر شود.

باید پرداخت شود، مورد تصمیم گیری واقع می شود.

۷- مقرر رسیدگی ها

ماده ۶۲ - رسیدگی های سازشی و داوری، در مقر "مرکز" انجام می شود، مگر اینکه در (مقررات) آتی خلاف آن مقرر شود.

ماده ۶۳ - رسیدگی های سازشی و داوری ها در صورت توافق طرفین می تواند چنین باشد:

الف - در کشور (محل استقرار) دائمی "دیوان داوری" یا هر نهاد صالح - خواه دولتی باشد یا غیر دولتی - که مرکز با آن توافقات (مقتضی) را به این منظور، نموده باشد؛

ب - در هر مکان دیگری که توسط کمیسیون یا دیوان پس از مشورت با



دبیرکل، تصویب شود.

۸- اختلافات فیما بین دولت های متعاقد

ماده ۶۴ - هر گونه اختلاف حاصل شده فیما بین دولت های متعاقد در خصوص تفسیر یا اعمال این معاهده، که با مذاکره حل نشود، به درخواست هر یک از طرفین اختلاف، به "دیوان بین المللی دادگستری" ارجاع می شود، مگر اینکه دولت های مربوطه به شیوه دیگری از حل اختلاف، توافق کنند.

۹- اصلاح

ماده ۶۵ - هر یک از دول متعاقد، می توانند، پیشنهاد اصلاح این معاهده را بدهند. متن اصلاح پیشنهادی باید حداقل ۹۰ روز پیش از نشست شورای اداری برای دبیرکل ارسال شود، که در آن مدت این اصلاح ملاحظه شده و بیدرنگ برای کلیه اعضاء شورای اداری، ارسال می شود.

ماده ۶۶ - ۱) اگر شورای اداری با اکثریت دو سوم اعضاء چنین تصمیم بگیرد (موافقت کند)، اصلاح پیشنهادی میان همه دولت های متعاقد برای تصویب پذیرش و موافقت، پخش می شود. هر اصلاحی ۳۰ روز پس از ارسال توسط مقام نگهدارنده این معاهده برای دولت های متعاقد که همه آن ها، اصلاحیه را تصویب، پذیرش و یا مورد موافقت قرار داده اند، به اجرا در می آید.

۲) هیچ اصلاحیه ای، حقوق و تعهدات هر کشور متعاقد یا هر سازمان تابعه یا نمایندگی ها یا هر تبعه این دولت که به موجب این معاهده ایجاد و ناشی از توافق در پذیرش صلاحیت مرکز پیش از تاریخ لازم الاجرا شدن اصلاحیه باشد، را برای هر دولت متعاقد یا هر سازمان تابعه یا نمایندگی یا هر تبعه این دولت، متأثر نخواهد نمود.

۱۰- مقررات نهایی

ماده ۶۷ - این معاهده برای امضا از جانب دولت های عضو بانک (جهانی) مفتوح است. برای امضا از سوی هر دولت دیگری که عضو

۲) یک عضو کمیسیون یا دیوان، باید تا حدی که عضو هیأت است، به خدمت خود، ادامه دهد.

۳) اگر یک سازش دهنده یا داور تعیین شده توسط یک طرف، بدون رضایت کمیسیون یا دیوانی که وی عضو آن است، انتخاب شده باشد، رئیس، یک شخص از هیأت مربوطه برای پر کردن خلاء ایجاد شده، انتخاب می کند.

ماده ۵۷ - یک طرف می تواند، عدم صلاحیت هر یک از اعضاء کمیسیون یا دیوان را، براساس هر حقیقت که نشانگر فقدان آشکار اوصاف ضروری، به موجب بند ۱ ماده ۱۴ باشد، ابراز کند. یک طرف داوری، به علاوه، می تواند، عدم صلاحیت یک داور به عنوان اینکه وی فاقد شرایط لازم برای انتخاب در دیوان به موجب بخش ۲ فصل ۴ است را هم، ابراز کند.

ماده ۵۸ - تصمیم گیری راجع به هر پیشنهاد عدم صلاحیت یک سازش دهنده یا داور توسط دیگر اعضاء، کمیسیون (سازش) یا دیوان (داوری) بسته به مورد، صورت می گیرد، مقرر است در جایی که اعضا به طور مساوی تقسیم می شوند، یا در مورد پیشنهاد عدم صلاحیت یک میانجی یا داور تنها یا یک اکثریت سازش دهندگان یا داوران، رئیس تصمیم گیری می نماید. اگر تصمیم بر این باشد که ایراد صلاحیت وارد است، سازش دهنده یا داوری که تصمیم مربوط به او است، باید وفق مقررات بخش ۲ از فصل ۳ یا بخش ۲ از فصل ۴ جایگزین شود.

۶- هزینه دادرسی ها

ماده ۵۹ - هزینه های پرداختی توسط طرفین برای استفاده از تسهیلات مرکز توسط دبیرکل مرکز وفق مقررات پذیرفته توسط شورای اداری، تعیین می شود.

ماده ۶۰ - ۱) هر کمیسیون (سازش) و دیوان (داوری)، اجرت ها و هزینه های اعضا خود را در محدوده تأیید شده، لحظه به لحظه، توسط شورای اداری و پس از مشورت با دبیرکل، تعیین می نماید.

۲) هیچ چیز در بند ۱ این ماده، طرف ها را از توافق به پیش پرداخت به کمیسیون یا دیوان در ارتباط با اجرت ها و هزینه های اعضاء آن ها، باز نمی دارد.

ماده ۶۱ - ۱) در مورد رسیدگی های سازشی، اجرت و هزینه های اعضاء کمیسیون (سازش) همانند هزینه های استفاده از تسهیلات مرکز، به طور برابر توسط طرفین تقبل می شود. هر طرف هزینه هایی را که در ارتباط با رسیدگی موجب شده است، (خود) تقبل می کند.

۲) در مورد رسیدگی های داوری دیوان، اگر خلاف این توافق نشده باشد، تعیین هزینه هایی که توسط طرفین، براساس جریان رسیدگی های ایجاد شده و چگونگی و کسی که برای وی هزینه شده، اجرت و هزینه های اعضاء دیوان (داوری) و هزینه هایی که برای استفاده از تسهیلات مرکز

اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و هر کشوری که شورای اداری با دو سوم آراء اعضا برای امضاء معاهده پذیرش شود نیز، مفتوح می باشد.
ماده ۱-۶۸) این معاهده، وفق روند (پیش بینی شده در) قانون اساسی کشورهای امضا کننده مورد تصویب، پذیرش و موافقت آنها قرار می گیرد.
۲) این معاهده ۳۰ روز پس از تاریخ تودیع بیستمین سند تصویب، پذیرش یا موافقت، لازم الاجرا خواهد شد. معاهده برای هر کشوری که بعداً تصویب قبول یا موافقت خود را تقدیم کند، ۳۰ روز پس از این تاریخ، لازم اجرا خواهد بود.

ماده- ۶۹ هر دولت متعاقد، اقدامات الزامی یا دیگر طرق مقتضی برای اجرائی شدن مقررات این معاهده در قلمرو خود را انجام خواهد داد.
ماده- ۷۰ این معاهده در همه قلمروهایی که مسؤلیت روابط بین الملل آن مربوط به کشورهای متعاهد است، اجراء می شود مگر قلمروهایی که، به موجب اعلامه کتبی دولت متعاقد به مقام نگهدارنده این معاهده در زمان تصویب، پذیرش یا موافقت این معاهده یا پس از آن، مستثنی شده اند.
ماده- ۷۱ هر دولت متعاقد می تواند، با اعلام کتبی به نگهدارنده این معاهده به عضویت خود در معاهده، پایان دهد. پایان عضویت شش ماه پس از دریافت این اعلام، قابل اجرا می باشد.

ماده- ۷۲ اعلامیه موضوع مواد ۷۰ یا ۷۱ نسبت به حقوق یا تعهدات کشورهای متعاقد یا سازمان های تابعه یا نمایندگی ها یا اتباع آنها که به موجب این معاهده ایجاد و ناشی از قبول صلاحیت مرکز است، پیش از وصول اعلامیه از سوی مقام نگهدارنده معاهده، تأثیری نخواهد داشت.

ماده- ۷۳ اسناد مربوط به تصویب، پذیرش یا موافقت با این معاهده و اصلاحیه های مربوطه، نزد بانک (جهانی) تودیع خواهد شد و بانک به عنوان مقام نگهدارنده معاهده عمل می نماید. مقام نگهدارنده، نسخه های مصدق این معاهده را به دولت های عضو بانک و هر دولت دیگر که دعوت به امضا شده باشند، تسلیم می نماید.

ماده- ۷۴ مقام نگهدارنده، این معاهده را وفق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد و مقررات مربوط به آن مصوبه عمومی، در دبیرخانه سازمان ملل ثبت می نماید.

ماده- ۷۵ مقام نگهدارنده همه دولت های امضاء کننده را از موارد ذیل آگاه می نماید:

الف - امضاهای انجام شده وفق ماده ۶۷.

ب - سپردن اسناد، تصویب، پذیرش یا موافقت شده، وفق ماده ۷۳ نزد آن مقام.

ج - تاریخی که این معاهده وفق ماده ۶۸، لازم الاجرا می شود.

د - قلمروهای استثناء شده از اجرای این معاهده وفق ماده ۷۰.

ه - تاریخی که اصلاحیه های این معاهده وفق ماده ۶۶، لازم الاجرا می شود.

و - خاتمه عضویت وفق ماده ۷۱.

(این معاهده) در واشنگتن، به زبان های انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، که هر سه اعتبار برابر دارند، در یک نسخه، در بایگانی بانک جهانی ترمیم و توسعه تودیع می شود و بانک یاد شده با امضای ذیل، موافقت خود را برای انجام وظائفی که به موجب این معاهده بر عهده دارد، اعلام نمود.

قواعد دادرسی در نهادهای رسیدگی سازش و داوری

قواعد دادرسی در نهادهای رسیدگی سازش و داوری (قواعد نهاد) در

مرکز (ICSID)، توسط شورای اداری مرکز، به موجب شق (ب) از بند ۱ ماده ۶ معاهده مرکز، به تصویب رسید.

"قواعد نهاد"، به موجب مقررات اداری - مالی مرکز، به ویژه مواد ۱۶ بند ۱ ماده ۲۲، ۲۳، ۳۰ و بند ۱ ماده ۳۴، تکمیل شد.

قواعد نهاد، در قلمرو زمانی خاص، از تاریخ تکمیل دادخواست تا (تاریخ) ارسال یادداشت ثبت، محدود است. همه معاملات (انجام شده) پس از آن تاریخ، مطابق قواعد سازش و داوری تنظیم خواهد شد.

قواعد نهاد

قاعده ۱- دادخواست

۱) هر دولت متعاقد یا هر تبعه یک دولت متعاقد که دادرسی نهاد سازش یا داوری به موجب معاهده را بخواهد، باید دادخواستی کتبی برای دبیر کل، به مقر مرکز، ارسال نماید. این دادخواست باید نشان دهد که مربوط به رسیدگی سازشی است، یا داوری. (دادخواست) به یکی از زبان های رسمی مرکز تنظیم می شود، تاریخ دار و حسب مورد باید ممضی به امضای طرف درخواست کننده یا نماینده مجاز وی، باشد.

۲) ممکن است، دادخواست مشترکاً توسط دو طرف اختلاف، اقامه شود.

قاعده ۲- محتویات دادخواست

۱) دادخواست باید

الف - به طور دقیق هر طرف اختلاف و دولت متبوع آنها را مشخص کند.

ب - اگر یکی از طرف ها سازمان تابعه یا نمایندگی یک دولت متعاقد است که به موجب بند ۱ ماده ۲۵ این معاهده، توسط آن دولت، "مرکز" [به عنوان مرجع حل اختلاف] معین شده این امر بیان شود.

ج) تاریخ تراضی و اسنادی که توافق در آنها درج شده اشاره شود، از جمله اگر یک سازمان تابعه یا نمایندگی یک دولت متعاقد است، همانند تاریخ تصویب این تراضی توسط آن دولت ذکر شود، مگر اینکه آن (دولت) به مرکز اعلام کرده باشد که چنین تصویبی ضرورت ندارد.

د - در مورد طرفی که تبعه یک دولت متعاقد است، موارد زیر اشاره شود:

اول - تابعیت وی در تاریخ تراضی؛

دوم - اگر طرف شخصی حقیقی است؛

آ - تابعیت وی در تاریخ درخواست؛

ب - اینکه وی در تاریخ تراضی و یا تاریخ تقدیم دادخواست، تابعیت دولت متعاقد طرف اختلاف را نداشته است؛

سوم - اگر طرف شخص حقوقی است که در تاریخ تراضی تابعیت دولت متعاقد طرف اختلاف را داشته؛ مقررۀ طرفین مبنی بر اینکه، تابعیت یک دولت دیگر متعاقد، برای نیل به هدف معاهده، مفروض است.

ه - در بردارنده اطلاعاتی راجع به موضوعات مورد اختلاف باشد، از جمله اینکه، فی مابین طرفین یک اختلاف حقوقی مستقیماً ناشی از سرمایه گذاری، بروز کرده است؛

و - اگر طرف درخواست کننده، شخص حقوقی باشد، بیان شود که همه اقدامات داخلی برای تصویب مجوز درخواست را، به جا آورده است.

۲) اطلاعاتی که به موجب شق ج بند ۳، فقره سوم شق ب، بند ۱ و شق

واو بند ۱، ضروری است به موجب سند تأیید، شوند.

۳) "تاریخ تراضی"، تاریخی است که در آن طرفین اختلاف، تراضی کتبی نموده اند مرکز راه، به عنوان مرجع حل اختلاف بپذیرند. اگر دو طرف، یک تاریخ را اعلام نکنند، به این مفهوم است که تاریخ معمول شده از سوی طرف دوم، ملاک است.

قاعده - ۳ اطلاعات اختیاری دادخواست

علاوه بر آنچه گذشت، دادخواست می تواند هر پیش بینی مورد توافق از سوی طرفین در خصوص تعداد سازش دهندگان، یا داوران، و روش تعیین ایشان، همانند هر پیش بینی مورد توافق دیگر، که مربوط به حل اختلاف است راه در بر داشته باشد.

قاعده - ۴ کپی های دادخواست

۱) دادخواست، پنج نسخه پیوست دارد، که یکی امضا شده است. اگر دبیرکل ضروری بداند می تواند، کپی های بیشتری را بخواهد.
۲) هر سند تقدیمی به همراه دادخواست، باید مطابق مقررات اداری و مالی ماده ۳۰، باشد.

قاعده - ۵ پذیرش دادخواست

۱) دبیرکل پس از دریافت دادخواست؛
الف - یک پذیرش برای طرف درخواست کننده، ارسال می نماید.
ب - هیچ دعوی دیگری راه، در ارتباط با این درخواست نمی پذیرد، مگر اینکه هزینه تعیین شده را، دریافت کرده باشد.
۲) دبیرکل، به محض اینکه هزینه تعیین شده برای طرح دادخواست را دریافت نمود، یک کپی از آن و اوراق پیوستی راه، برای طرف دیگر، ارسال می نماید.

قاعده - ۶ ثبت دادخواست

۱) دبیرکل، مطابق فقره ب از بند ۱ قاعده ۵، در اولین فرصت:
الف - دادخواست راه، در ثبت سازش یا داوری، ثبت نموده و در همان روز به طرفین اعلام می کند.
ب - براساس اطلاعات مندرج در دادخواست، اگر استنباط کند که اختلاف، آشکارا خارج از صلاحیت مرکز است، رد درخواست را به همراه دلیل آن، به طرفین، اعلام می کند.
۲) آغاز رسیدگی به موجب معاهده، براساس تاریخ ثبت دادخواست فرض می شود.

قاعده - ۷ اعلام ثبت دادخواست

الف - ثبت دادخواست، تاریخ ثبت آن و تاریخ ارسال اعلامیه، نیز، ثبت می شود.
ب - هر طرف را از این امر آگاه می سازد، که ابلاغیه ها و اعلامیه ها در ارتباط با رسیدگی به نشانی اعلام شده در دادخواست، ابلاغ خواهد شد، مگر اینکه نشانی دیگری به مرکز اعلام شود.
ج - طرفین دعوت می شوند تا پیش بینی های مورد توافق خود راه، در خصوص تعداد و روش تعیین سازش دهنده یا داوران، به دبیرکل اعلام نمایند، مگر اینکه چنین تدابیری قبلاً اتخاذ شده باشد.

د - طرفین در اولین فرصت برای رسیدگی دعوت می شوند تا کمیسیون سازش را وفق مواد ۲۹ تا ۳۱، معاهده یا دیوان داوری را وفق مواد ۳۷ تا ۴۰، تشکیل دهند.

ه - طرفین را یاد آور می شود که، ثبت دادخواست بدون تبعیض در اختیارات و وظائف کمیسیون سازش یا دیوان داوری، با لحاظ قلمرو صلاحیت و شایستگی و توانایی ها می باشد؛

و - فهرستی از (اسامی) اعضای هیأت های سازش یا داوری مرکز، به پیوست تقدیم می شود.

قاعده - ۸ استرداد دادخواست

طرف های درخواست می توانند، به موجب اعلام کتبی به دبیرکل، دادخواست را پیش از ثبت آن مسترد نمایند. دبیرکل نیز فوراً به طرف دیگر اعلام می کند، مگر اینکه، طبق فقره ب بند ۱ از قاعده ۵، دادخواست هنوز برای وی، ارسال نشده باشد.

قاعده - ۹ مقررات نهایی

۱) متن این قواعد، به هر یک از زبان های رسمی مرکز بوده، دارای ارزش یکسان است.
۲) این قواعد، با عنوان "قواعد نهاد" نامیده می شوند. (۳)

پی نوشت ها:
منبع:

International Center for Settlement of Investment Disputes,
"Convention on the Settlement of Investment Disputes
Between Strates and Nationals of Other Statues",
www.sice.oas.org

1- International Center for Settlement of Investment
Disputes " (ICSID)-

2- www. World Bank. org
basicod. htm /basicod /ICSID /

۳- برای دیدن متن معاهده و سایر قواعد مربوطه، رک:

icsid/www.worldbank.org